

بازیگر نقش اول فیلم «سرقت» دستگیر شد!

دهد اماراننده جوان با مشاهده پلیس،پا به فرار گذاشت. در همین حال نیروهای انتظامی با تعقیب راننده موفق شدند او را متوقف و دستگیر کنند. این جوان ۳۵ ساله که به همراه خودرو به کلانتری منتقل شده بود، در بازجویی ها به سرقت ۴ دستگاه موتورسیکلت و خودرو در نقاط مختلف شهر اعتراف کرد و مدعی شد فقط بایک عددپیچ گوشتی و سوئیچ دست ساز سرقت ها را انجام داده است. گزارش روزنامه خراسان حاکی است: از سوی دیگر بررسی های نامحسوس پلیس بیانگر آن بود که سارق جوان سوابق متعدد کیفری دارد و چندین بار به جرم سرقت روانه زندان شده است؛ اما با حضور مالک خودروی

سیدخلیل سجادیپور -دزد سابقه داری که با تلاش نیروهای کلانتری آبکوه مشهد دستگیر شد، در حالی به تماشای نقش اول خود در فیلم دوربین مداربسته نشست که راز دستبرد به وسیله نقلیه دیگر را نیز برملا کرد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، گروهی از نیروهای کارآزموده گشت انتظامی که با دستورویژه سرهنگ روح... لطفی (رئیس کلانتری آبکوه) عازم بزرگراه پیامبر اعظم(ص) شده بودند تا جلوه ای از احساس امنیت را به نمایش بگذارند، ناگهان به نحوه توقف یک دستگاه پرآید در حاشیه بزرگراه مظنون شدند و از راننده آن خواستند مدارک خودرو را ارائه

با اعترافات هولناک متهم به قتل مشخص شد

جنایت جوان چپ دست در خانه تاریک!



سیدخلیل سجادیپور
info@khorasannews.com

جوان معتاد سابقه داری که پدرش را به خاطر ارتباط نامتعارف با زن غریبه به قتل رسانده است، در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد مدعی شد، قبل از جنایت برق منزل را قطع کرده و در خانه تاریک پدرش را هدف ضربه چاقو قرار داده است.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، یازدهم آذر، خبر وقوع جنایتی هولناک در کوی پنجتن مشهد، نیروهای انتظامی را به ساختمان آپارتمانی در خیابان پنجتن ۵۵ کشاند. بررسی های مقدماتی نشان داد: جوان ۲۳ساله ای به نام «حسین-ر» به طور ناگهانی وارد منزل پدرش شده و او را در خانه تاریک به قتل رسانده است. با جمع آوری این اطلاعات، عوامل انتظامی با دستور سرهنگ جعفرخانی (رئیس کلانتری پنجتن) دستبندهای قانون را بر دستان متهم جوان حلقه زدند و سپس با حفظ صحنه جنایت، مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد مشهد اطلاع دادند.

طولی نکشید که خودروی حامل قاضی دکترصادق صفری در کنار ساختمان محل وقوع حادثه توقف کرد و بدین ترتیب تحقیقات قضایی وارد مرحله جدیدی شد. دوربین ها به کار افتاد و ۳ متهم که در صحنه جنایت حضور داشتند، در برابر سوالات علمی و تخصصی قاضی شعبه ۲۵۵ دادرسی عمومی و انقلاب قرار گرفتند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: در حالی که آثار ندامت در چهره متهمان دیده نمی شد، مادر و پسر سعی می کردند با تناقض گویی، دیگری را از مجازات قانونی برهاند اما در همین حال زن غریبه گوشه ای از اتاق در افکار خود فرو رفته بود و به آینده سیاه خود می اندیشید.

دقایقی بعد با اشاره مقام قضایی، ابتدا متهم به قتل مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد و پس از تفهیم اتهام و تأکید بر موادی از قانون مجازات اسلامی مبنی بر حقیقت گویی از سوی قاضی



ویژه قتل عمد به سوالات علمی و قضایی پاسخ داد.

اتهام قتل عمدی را قبول دارید؟
بله! قبول دارم اما قصد کشتن پدرم را نداشتم و من تا به حال حتی به یک گربه هم لگد نزده ام
چطور می توانم آدم بکشم!
من خودم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم و ماجرای قتل را اعتراف کردم.
خانه تاریک بود که پدرم جلو آمد و همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاد. قاضی صفری بعد از آن که نیم تگاهی به پیکر برهنه مقتول انداخت، از متهم پرسید: **چپ دست هستی؟**
بله! چاقو در دست چپم بود!

چند ضربه چاقو زدید؟
من یک ضربه زدم ولی او خودش جلو آمد!

اگر قصد قتل نداشتی چرا به اورژانس زنگ نزدیدی؟
با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم. هول شده بودم و می خواستم خودم را تسلیم کنم!

با پدرت اختلاف داشتی؟
با هم مشکل داشتیم و به همین خاطر هم رفت و آمد نمی کردیم. یعنی کمتر به خانه پدرم می آمدم. بالاخره در هر خانه ای اختلاف هست.

قبل از قتل مشروب یا مواد مخدر مصرف کرده بودی؟
به خاطر اعتیادم قرص مصرف می کنم. به همین خاطر هم نصف قرص ب۲ خورده بودم.

چه اتفاقی افتاد که تصمیم به قتل گرفتی؟
پدرم با یک زن غریبه ارتباط داشت. همه ما این موضوع را می دانستیم. حتی برادرم گوشه پدرم راهک کرده بود و پیامک های آن ها را دیده بودیم. به همین خاطر اوایل شب (یازدهم آذر) مادرم تلفنی با من تماس گرفت و از حضور زن غریبه در منزل پدرم خبر داد. من هم که در همان نزدیکی ساکن هستم، بلافاصله خودم را به ساختمان محل اقامت پدر و مادرم رساندم. مادر ما پایین پله ها

پراید در کلانتری آبکوه، ماجرای بازیگری نقش اول فیلم «سرقت» در حالی لورفت که ما لیاخته فیلم دوربین مداربسته را به افسران دایره تجسس تحویل داد و این سارق جوان نیز به همراه نیروهای انتظامی به تماشای فیلمی نشست که خود بازیگری نقش اول آن را به عهده داشت. او در این فیلم ضبط شده در دوربین مداربسته، ابتدا در اطراف خودرو پرسه می زند و سپس در فرصتی مناسب طی چند ثانیه پشت فرمان می نشیند و خودرو را به سرقت می برد! تحقیقات پلیس برای کشف سرقت های احتمالی دیگر این دزد حرفه ای در دایره تجسس کلانتری توسط سرگرد طیوری ادامه دارد.



چه زمانی متوجه ارتباط همسران با یک زن دیگر شدید؟
خیلی وقت نیست. وقتی موضوع را به خودش گفتم ما را ساده فرض کرد و مدعی شد این ها از اینستاگرام است. کاش من هم کلک باز بودم!

چرا به اورژانس زنگ نزدیدی؟
نمی دانم مغزم هنگ کرده بود! **چاقو را از کجا برداشتی؟**
قبل از آن که بیرون بروم از داخل خانه برداشتم. چون قصد داشتم وقتی همسرم را با آن زن غریبه دیدم خودم آن ها را بکشم ولی پسر می خودی در گیر این ماجرا شد.

مشکل شما با همسران چه بود؟
مشکلی نداشتم اما او حتی یک لبخند به من نمی زد ولی با آن زن غریبه کر کرمی کرد! زمانی که رابطه آن ها را فهمیدم حالم خیلی بد شد! شوهرم مرا اذیتی می کرد.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، در همین حال زن جوانی که حالا از ارتباط با مرد غریبه ابراز ندامت می کرد و به آینده تاریک خود می اندیشید نیز در باره چگونگی آشنایی خود با «علیرضا» (مقتول) گفت: شوهرم مرا رها کرده بود. اجاره منزل را نمی توانستم پرداخت کنم. به همین دلیل به دنبال منزل کوچک تری بودم تا بتوانم از عهده مخارج زندگی برآیم. آن مرد هم بنگاه دار بود. وقتی به بنگاه املاک او رفتم تا خانه ای اجاره

ای برایم پیدا کند، عاشقم شد. شماره تلفنم را از داخل قولنامه برداشته بود و مدام تماس می گرفت تا پیامک می فرستاد و به من ابراز علاقه می کرد.

او اصرار داشت حتی خودرواش را به نام من ثبت کند ولی من قبول نکردم. او از ارتباط عاطفی با همسرش ناراضی بود و ادعای کرد و دوی بیشتر اوقاتش را صرف امور عبادی و شرکت در جلسات محلی زنا نه می کرد و به فکر شوهرش نیست. هر بار که مرد بنگاه دار می دیدم مدعی بود که ناهار نان و پنیر خورده است! خلاصه او با این ادعاها مرا به منزلش کشاند که این حادثه رخ داد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: تحقیقات در باره زوایای دیگر این جنایت تکان دهنده ادامه دارد.



چاقو را چه کسی به شما داد؟
مادرم!

در منزل قفل بود؟
بله! چون کلید از پشت روی قفل در بود من به ناچار با سوزن کلید را انداختم که بتوانم با کلید خودم در را باز کنم.

اگر منزل تاریک بود چگونه پدرتان را دیدی؟
تاریک بود ولی جلوی پایم را می دیدم و بعد از این که چاقو زدم تازه فهمیدم که پدرم را کشته ام.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: در ادامه تحقیقات قضایی در محل وقوع جنایت، مادر متهم به قتل نیز که به اتهام معاونت در جرم قتل عمدی دستگیر شده بود، به سوالات قاضی دکترصادق صفری پاسخ داد.

چه کسی به شما اطلاع داد که خانمی غریبه در منزل شما حضور دارد؟
نمی دانم پسر کوچک ترم گفت که شوهرم با یک خانم در خانه است!

در امتداد تاریکی

ماجرای گوشی سرقتی!

من گوشی تلفن را سرقت نکردام . حدود چهار هفته قبل وقتی برای خرید مواد مخدر به یکی از شهرک های روستایی در حاشیه میدان خیام مشهد رفته بودم، فردی آن را به من داد تا ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران گشت کلانتری شفای مشهد هنگام گشت زنی در حوزه استحفاظی خود برای مراقبت از اموال مردم و مبارزه با سرقت های خرد، به یک دستگاه خودروی پژوآردی در خیابان لعل مشکوک شدند که در کنار خیابان متوقف بود و ۳ جوان درون آن نشسته بودند. وقتی نیروهای انتظامی به طرف خودرو حرکت کردند، ناگهان سرنشینان خودرو هر اسان و مضطرب لوازم و ابزار استعمال مواد مخدر را به بیرون پرت کردند.

در همین حال مشخص شد که ۳ جوان مذکور در حال استعمال مواد مخدر صنعتی(شیشه) بودند؛ اما این ماجرا هنگامی به سرقت اموال مردم گره خورد که رها شدن یک دستگاه گوشی تلفن گران قیمت در زیر صندلی عقب از چشمان تیزبین عوامل انتظامی دور نماند و آن ها گوشی رازیرپای جوان ۳۰ساله ای به نام «اصغر» کشف کردند. اعلام شماره سریال آن از سامانه همیاب بیانگر آن بود که گوشی مذکور در تاریخ یازدهم آبان از خیابان وحید مشهد سرقت شده است.

بنابراین با دستور سرگرد احسان سبکار (رئیس کلانتری شفا) ۳ جوان معتاد برای انجام تحقیقات به مرکز انتظامی هدایت شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. در این میان متهم ۳۰ساله که مدعی می بود بر اثر رفاقت با دوستان ناباب معتاد شده است، به افسر تجسس کلانتری گفت: دوستانم از سرقتی بودن گوشی تلفن اطلاعی نداشتند و من فقط به آن ها گفته بودم قصد دارم گوشی را بفروشم! ولی زمانی که تیروهای انتظامی را بالای سرم دیدم، خیلی ترسیدم به همین خاطر گوشی را کف خودرو رها کردم تا به خاطر آن دستگیر نشوم. من درزنیستم ولی هنگامی که برای خرید مواد مخدر صنعتی به یکی از روستاهای اطراف میدان خیام (سیاد) رفته بودم، فردی گوشی تلفن را به من داد تا آن را بفروشم و برای خودم مواد بخرم! ولی توسط ماموران دستگیر شدم و نتوانستم آن را به فروش برسانم ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: دقایقی بعد مالک گوشی شناسایی شد و با مراجعه به دایره تجسس کلانتری شفا گفت: در میدان امام حسین (ع)، سوار خودروی عبوری شدم تا به پل فجر بروم؛ اما وقتی به مقصد از خودرو پیاده شدم تازه فهمیدم که گوشی تلفنم سرقت شده است که بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم و ماجرا را بازگو کردم ...

بنابر این گزارش، تحقیقات بیشتر درباره ماجرای گوشی سرقتی و جرایم احتمالی دیگر متهمان، با دستور رئیس کلانتری ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

